آینه

اعتماد

یادداشت: «از سرگیری رشد اقتصادی»؛ سعید لیلاز

من طرفدار سیاست شوک‌درمانی نیستم. معتقدم ساختار اجتماعی- اقتصادی کشور به‌دلیل شکنندگی در برابر سیاست شوک‌درمانی تاب نمی‌آورد. اما... در حال حاضر قدرت خرید طبقه کارگر ایران به حدود سال ۱۳۸۴ و قدرت خرید کارمندان حتی به کمتر از این و به حدود سال ۱۳۸۲ کاهش یافته است. یعنی در ۱۰ سال اخیر اقتصاد ایران چه رونق داشته و چه نداشته و چه درآمد نفتی به اندازه یک‌تریلیون‌دلار بوده باشد، کوچک‌ترین اثری در زندگی کارگران و کارمندان ایران نداشته است. اگر نخواهیم شعاری و طبقاتی حرف بزنیم بلکه اقتصادی صحبت کنیم قدرت خرید پنج‌دهک جامعه ایران یعنی ۵۰درصد جمعیت ایران مضمحل شده است. ما در یک دایره بسته گیر کرده‌ایم بنابراین اگر بخواهیم به یک رشد اقتصادی مثبتی دست پیدا کنیم باید پس‌انداز ملی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ملی را افزایش دهیم که به معنی کاهش مصرف ملی اعم از مصرف عمومی و خصوصی است و اگر بخواهیم مصرف عمومی و خصوصی را کاهش دهیم، از آنجایی که منجر به نابودی طبقات اجتماعی فرودست ایران شده و واکنش‌های اجتماعی گسترده‌ای را در پی خواهد داشت این امر اساسا ممکن و به صلاح نیست. بنابراین منبع دیگری غیر از حامل‌های انرژی برای کشور باقی نمی‌ماند. از این‌رو افزایش قیمت حامل‌های انرژی یک راه‌حل یا گزینه نیست، بلکه یک اجبار است.

آسمان

سرمقاله: «فرصتی برای اصلاح اقتصادی»
موسی غنی‌نژاد

مشکل زمانی بروز می‌کند که دولت به فرض تصمیم بگیرد به چهاردهک پایین جامعه یا بیشتر، یارانه نقدی پرداخت کند. فاصله و مرزبندی این دهک‌ها به قدری نزدیک به هم و غیرقابل تشخیص است که عمال جداسازی آنها موجب بروز نارضایتی‌های عمیق می‌شود. مشابه همین اتفاق در جریان توزیع سبدکالایی رخ داد... همه می‌دانیم و افرادی را دیده‌ایم که به هیچ‌وجه به یارانه‌های نقدی ماهانه نیازی نداشته‌اند ولی ماه به ماه این پول به حسابشان واریز شده است. وقتی فرصتی تازه مانند آنچه مجلس در اختیار دولت قرار داده، پیش می‌آید بهتر آن است که دولت از آن بهره گیرد و مقابل فسادهای احتمالی صورت گرفته بایستد. در پاسخ به این مساله که حذف یارانه‌های نقدی گروه‌هایی از مردم می‌تواند منجر به بروز نارضایتی عمومی شود باید گفت نارضایتی زمانی رخ می‌دهد که مردم احساس بی‌عدالتی و تبعیض کنند. تمامی کسانی که از خدمات سازمان بهزیستی کشور و همچنین کمیته امداد امام خمینی استفاده می‌کنند می‌توانند در فهرست یارانه‌بگیران قرار گیرند.

جمهوری اسلامی

نکته‌ای در تکذیب مرتضوی

سعید مرتضوی خبر برخی سایت‌ها را مبنی بر اینکه اخیرا در جلسه‌ای با مدیران سابق تامین اجتماعی اعلام کرده در موضوع فاضل لاریجانی از سوی احمدی‌نژاد تحت فشار بوده، تکذیب کرد و آن را از اصل و اساس دروغ دانست... مدیر عامل سابق سازمان تامین اجتماعی ضمن تکذیب این خبر گفت: «... اصل خبر و محل آن و جلسه با مدیران سابق سازمان تامین اجتماعی ساختگی و دروغ است.» اگر در این تکذیبیه دقت شود مشخص است که فقط جلسه و مصاحبه تکذیب شده‌اند اما محتوای آنچه در خبر منتشر شده مبنی بر تحت‌فشاربودن توسط احمدی‌نژاد برای طراحی آنچه به موضوع فاضل لاریجانی معروف شده تکذیب نشده است.

کیهان

سرمقاله: «واقعیت فربه‌تر از مشّاطه‌ها»
محمد ایمانی

این تلقی که با آمریکا و غرب می‌شود بست و اختلافات را حل کرد، منحصر به امروز و دیروز نیست. کسانی همواره بر این تصور بوده‌اند که- ولو با انکار واقعیات- باید خود را متهم انگاشت و نسبت به بیگانه دشمن حسن ظن داشت. در حالی که آمریکا سر بزنگاه، زیر پای شوروی را خالی کرد و فرش را از زیر پای رقیب کشید، همین‌ها می‌گویند ببینید آمریکا و شوروی چگونه تنش‌زدایی کردند... اگر امروز نقطه ضعف‌هایی داریم که دشمن را به طمع می‌اندازد، باید آن نقطه ضعف‌ها و رخنه‌ها و خلل‌ها را در حوزه فرهنگ و رسانه و سیاست و اقتصاد بست. کلید شروع این کار خطیر در نهادن نقطه پایان بر خودرأیی‌ها و حاشیه‌پردازی‌ها و بازگشت به محور اتحاد و اجتماع و استقامت، یعنی رهنمودهای راهبردی امام و رهبری است. تحت‌فشاربودن توسط احمدی‌نژاد برای طراحی آنچه به موضوع فاضل لاریجانی معروف شده تکذیب نشده است.

وطن امروز

سرمقاله: «بی‌توجهی به گزینه روی میز ملت»
سیروس محمودیان

توجه دولت یازدهم به نگرانی‌های موجود در میان آحاد ملت درباره حاکمیت تدریجی یک جریان منفعل در برابر قدرت پوشالی غرب و تزریق نگاه تسامحی- تساهلی در بخش پاسخگویی به تهدیدات غربی‌ها به کشور بسیار ضروری است. هرگونه تلاش دیپلماتیک توجیهی برای بزک‌کردن چهره زشت و جنایت‌پیشه آمریکا در داخل ایران رگه‌های روشنی از خط مذکور است که دولت مکلف به برخورد قاطع با جریان نفوذی مزبور است... غیرقابل کتمان است که برخلاف رویه هزینه‌ساز دولت یازدهم، ملت رشید ایران که با حساسیت و هوشیاری انقلابی به رصد متن و حواشی مذاکرات هسته‌ای اهتمام اختصاصی دارد در هر فرصت ممکن به تبیین مواضع انقلابی خویش مبادرت کرده است. راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن امسال نمونه بارزی از اعلام مواضع عینی ملت در مقابل تهدیدات بی‌شرمانه دولت تروریستی آمریکاست.

پروفسور انوشیروان احتشامی در گفت‌وگو با «شرق»:

دیپلماسی ایران تحت‌تاثیر موقعیت جغرافیایی‌اش است

فرنگیس بیات

«انوشیروان احتشامی»، پروفسور روابط بین‌الملل و رییس دانشکده حکومت و روابط بین‌الملل در دانشگاه «دورهام» انگلیس است. او نزدیک به سه‌دهه است که در حوزه سیاست خارجی ایران به انتشار کتاب و مقالات مختلف می‌پردازد. احتشامی برخلاف متون رایج غربی که سیاست خارجی ایران را «ایدئولوژیک» و بی‌توجه به منافع ملی توصیف می‌کنند، دیپلماسی تهران را - به‌ویژه بعد از پایان جنگ تحمیلی- واقع‌گرایانه و منطبق بر منافع ملی می‌داند. یکی از قابل‌توجه‌ترین آثار او «سیاست خارجی در دوران سازندگی» است که تفسیری متفاوت از سیاست خارجی ایران از دهه ۸۰ میلادی ارایه می‌دهد. این تنها کتاب ترجمه‌شده احتشامی به فارسی است. دیگر آثار از جمله «مناسبات و سیاست‌های منطقه‌ای ایران پس از تنش‌زدایی»، «جهانی‌شدن و خاورمیانه»، «ایران و سوریه: قدرت‌های متوسط در سیستم منطقه‌ای نفوذپذیر»، «ایران و نظام بین‌الملل»، «ایران و اوراسیا»، «تحولات در خلیج‌فارس» هیچ‌کدام به فارسی ترجمه نشده‌اند.

گفت‌وگوهای موسوم به «گام نهایی» میان ایران و قدرت‌های جهانی هم‌اکنون در وین در جریان است. چه دیدی نسبت به این دور از گفت‌وگوها دارید؟

در هر دوطرف، اعتماد متقابل به وجود آمده است. شاید برای بار اول است که دو طرف پس از «اعتمادسازی» روبه‌روی هم قرار می‌گیرند. جدی‌ترگرفتن مذاکرات از سوی طرف ایرانی قابل توجه است. جایگاه همکاری‌هایی که با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داریم بسیار مهم است. این سازمان تنها سازمانی است که می‌تواند ما را از شورای امنیت سازمان ملل بیرون بیاورد. هرچه مذاکرات مربوط به این سازمان قوی‌تر دنبال شود، برای ما نتایج مثبت‌تری خواهد داشت و به نفع ماست.

شما جایی اشاره کرده بودید که «ایران به‌دنبال جایگاه طبیعی خودش در نظام بین‌الملل است»، نسبت موجود میان توافق ژنو و یافتن چنین جایگاهی از سوی ایران چیست؟ منظورم این است که آیا ایران با امضای توافق ژنو جایگاه طبیعی خودش را پیدا خواهد کرد؟

قطعا. بدون شک این را می‌گویم. اینها قطعا و بدون شک به هم مرتبط هستند. این توافقنامه همه چیز را عوض می‌کند. جامعه ما را عوض می‌کند، بینش سیاست خارجی ایران را عوض می‌کند. روی مسایل داخلی تاثیر می‌گذارد. این روند جدید، پنجره جدیدی به روی سیاست خارجی ماست و به همین دلیل تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است.

رییس‌جمهوری در پاسخ به انتقادهای داخلی، از حقوقدانان خواسته تا در مورد این توافقنامه به قضاوت و نقد بنشینند. هر توافقی البته حقوقی نیست، ملاحظات سیاسی هم دارد، چقدر مرسوم است که یک توافق بین‌المللی را به قضاوت حقوقی بگذاریم؟

شکی نیست که این پیشنهاد روحانی، ابتکار خوبی خواهد بود. اگر موضوعی ملی است، باید همه ملت در مورد آن حرف بزنند؛ موافق و مخالف. این قرارداد، جزیی از منافع ملی ایران و قابل بحث در حوزه عمومی است. ابتکار ایشان جالب است؛ یعنی اینکه دولت بیاید و به مردم بگوید که ما اینطور توافق کردیم، دلایلی هم داشته‌ایم؛ بحث این توافق با نظام بین‌الملل را به این شیوه انجام دادیم، نظر شما چیست؟

شما از دانشگاهیان هستید که وجود وجوه عقل‌گرایانه در سیاست خارجی ایران را برجسته و تاثیرگذار می‌دانید. به‌کلام دیگر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی را خیلی درگیر محاسبات و انگاره‌های ایدئولوژیک نمی‌بینید. یکی از اولین کارهای شما در ایران با نام «سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی» ترجمه و منتشر شد؛ بعد از سال‌ها تفسیر ایدئولوژیک از رفتار تهران، تفسیری واقع‌گرایانه از سیاست خارجی ایران ارایه کرد. تفاوت دیدگاه شما با دیگر تحلیلگران که تنها بر بعد ایدئولوژیک سیاست خارجی ایران تاکید می‌کردند، بارز بود. شما دیپلماسی جمهوری اسلامی را بر مبنای الگوی «بازیگر عقلایی» تحلیل می‌کنید و نه ایدئولوژیک.

عقاید و شخصیت‌ها در ساختار سیاسی هر کشوری وزن خود را دارند. در بعضی مواقع حتی اینها تعیین‌کننده است. اما معیارهای دیگری نیز وجود دارد که آنها منافع هر کشوری را تعیین می‌کنند. اگر توجه کنید در ایران بعد از جنگ واژه «منافع ملی» ظهور کرد و حتی شروع به رشد کرد. نکته جالب این بود که در جمهوری‌اسلامی چگونه منافع ملی تعریف می‌شد؟ آیا منافع ملی در همان حد و اندازه‌های کشوری تاریخی مثل ایران تعریف می‌شود یا شبیه تعریف منافع ملی در دوران پهلوی است؟ یا اینکه تحت‌تاثیر شرایط ژئوپلیتیکی و جغرافیایی است. ایران همان کشوری است که قرن‌هاست در همین جغرافیای امروزش قرار دارد، تغییر نکرده و نخواهد کرد. سه‌هزارسال است که همین‌جا بوده و خواهد بود. بنابراین یکسری منافع بدون تغییر و با ثبات دارد. هرکس در این کشور حکمرانی کند، ملزم به پیروی از این منافع است.

منظور شما این است که کدهای ژئوپلیتیکی یک کشور در نهایت رفتار خارجی آن کشور را تعریف می‌کند؟

بله، یا حداقل می‌توان گفت که این کدها روی بینش رهبران و سیاستگذاران تاثیر می‌گذارد.

اگر با چنین دیدگاهی به ارزیابی دیپلماسی ایران بپردازیم، برای خود شما رسیدن به توافقنامه موقت محتمل بود؟

از زمان انتخابات مشخص بود که حسن روحانی برنامه ویژه‌ای برای سیاست خارجی دارد و حتی از مسیر سیاست خارجی به مسایل داخلی نگاه کند. من این دوره را با دقت دنبال کردم. ایران از کشورهایی است که می‌توان گفت سیاست داخلی بر سیاست خارجی‌اش تاثیر گذاشته و آن را متاثر کرده است. روند جدید برخلاف روند هشت‌سال گذشته است که در آن سیاست خارجی بر سیاست داخلی غلبه داشت هم بر اقتصاد و هم بر ترکیب نیروهای سیاسی. یکی از محورهای برنامه انتخاباتی روحانی همین سیاست خارجی بود. تنش‌زدایی یکی از محورهای این سیاست بود. درواقع سیاستگذاری درحوزه خارجی هم برای تعامل با جامعه بین‌المللی بود و هم برای تامین منافع ملی.

تفاسیری که بر ایدئولوژیک بودن ایران تاکید می‌کند از چه آبشخوری نشات می‌گیرد؟ دایما ادعا می‌شود سیاست خارجی ایران، سیاستی ایدئولوژیک بوده است...

اتفاقا این سوال جالبی است. البته چندان هم ملزم نیستیم- به‌ویژه برای کسانی که در خارج از این جغرافیا هستند- که همه را متقاعد بکنیم که خیر، این رفتار صرفا ایدئولوژیک نیست. این را باید در عمل دید. در همه دنیا، هرسیستم برخاسته از انقلاب، بافت هم‌بسته‌ای با ایدئولوژی دارد و عقاید الهام بخش آموزه‌ای دارد. ایران هم در این زمینه مورد منحصربه‌فردی نیست. حتی در آمریکا نیز رییس‌جمهوری هنگام سخنرانی سالانه خود به اصول اولیه انقلاب آمریکا بر می‌گردد که ۲۰۰سال پیش انجام شد. فرانسه هم همواره بر اصول انقلاب فرانسه تاکید می‌کند، چین هم همینطور. این واقعیتی است که دنیا هم آن را می‌پذیرد. ایران هم اتصال خاصی به ریشه‌های انقلابی‌اش دارد. برای تحلیل رفتار ایران باید گفت که به‌هرحال نظامی انقلابی است اما سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که تا کجا این ایدئولوژی تاثیرگذار است؟ چه تاثیرات مثبت یا منفی‌ای روی سیاست خارجی دارد؟ البته بعضی اصول این ایدئولوژی نیز در درون قانون اساسی است، این هم غیرقابل انکار است ولی ایران می‌تواند با این ایدئولوژی به‌صورتی رفتار کند که باعث پیوند و همسویی بیشترش با دنیا شود.

در بررسی نیروهای داخلی سیاسی، شما از سه تقسیم‌بندی نام می‌برید، «محافظه‌کار»، «اصلاح‌طلب» و «نئومحافظه‌کار». برداشت من این است که از نگاه شما دو گروه محافظه‌کار و اصلاح‌طلب رویکرد واحد واقع‌گرایانه‌ای به سیاست خارجی دارند، (سال‌های هاشمی و سال‌های خاتمی) اما گویی نئومحافظه‌کاران در این زمینه رویکردی متفاوت و ایدئولوژیک دارند.

برداشت شما درست است. البته ظهور نئومحافظه‌کاران ایرانی تا حدود زیادی در گرو شرایط خارجی یا بهتر بگویم شرایط بین‌المللی بود. آنها کاملا برخاسته از شرایط داخلی ایران نبودند. شرایط بین‌المللی در ظهور و تثبیتشان خیلی نقش داشت. در کل شرایط برون‌مرزی تاثیرگذاری بیشتری داشت.

کمی بیشتر توضیح می‌دهید؟

سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد در برهه‌ای شکل گرفت و بروز و ظهور کرد که در مجموع شرایط امنیتی‌شدن منطقه از همان دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ که احمدی‌نژاد به دور دوم رفت، فراهم شده بود و اوضاع در منطقه ما نابسامان بود. ایران همچنان درگیر مذاکره با تروییکای اروپایی بود و به نتیجه‌ای هم نرسیده بود و مشخص بود که مساله اتمی‌اش می‌رود که به بحرانی جهانی تبدیل شود. به‌همین‌دلیل، زمینه برای «ضدخارجی‌شدن» فضای سیاسی ایران فراهم شده بود. ثانیا، در نقاط مختلف منطقه ما تنش وجود داشت. البته این احساس ناامنی و جو امنیتی در سطح نخبگان و رهبران وجود داشت؛ البته شاید چندان عمومی و همه‌گیر نبود. مشخص بود که برداشت این گروه از نخبگان از شرایط منطقه مقداری آنها را به سمت چهره‌ای مثل احمدی‌نژاد که دریافت هشدارآمیزی از شرایط داشت، سوق داد. در مجموع نگاه امنیتی شکل گرفت اما دیدید که در طول زمان، این اختلاف‌ها حتی با نیروهای اصولگرا جدی‌تر شد؛ منظورم اختلاف میان نئومحافظه‌کاران (طرفداران احمدی‌نژاد) و نیروهای اصولگراست.

اگر بخواهیم در مورد نیروهای مخالف توافق ژنو در ایران که شما موضع آنها را شبیه نئوکان‌های آمریکایی دانسته‌اید، بیشتر بحث کنیم، بهتر است به موضع‌گیری آنها نسبت به قرارداد موقت و جامع بپردازیم. آنها مشغول ابراز مخالفت‌های جدی با این توافقنامه هستند. مخالفان توافق- هم در ایران و هم در آمریکا- دولت‌هایشان را متهم به نادیده‌گرفتن منافع ملی می‌کنند و در هر دوطرف بخشی از وقت و انرژی دولتمردان برای تعدیل مواضع آنها صرف می‌شود...

ببینید برای من جالب است که «نئومحافظه‌کاران» ایرانی با وجودی که هشت‌سال در قدرت بودند و توان سازماندهی داشتند، اما در انتخابات اخیر مثل باران در کویر محو شدند. ولی این دلیل نمی‌شود که نفوذشان کاملا از ساختار سیاسی حذف شده باشد. اما تجربه «نئوکان»های آمریکایی نشان می‌دهد که آنها می‌توانند سازماندهی جدید پیدا کنند و به صحنه برگردند و برخواهند گشت و مجددا گروه‌بندی‌های جدیدی درست کنند. اما نکته مهم این است که با عوض‌شدن شرایط ژئوپلیتیک، اینها تضعیف می‌شوند، چون شرایط درحال تثبیت به‌نفع نیروهایی است که گفت‌وگوها را پیش می‌برند. نیروهای مخالف با سیاست خارجی فعلی هم‌اکنون درحال گروه‌بندی‌های جدید و پیداکردن دوباره خود هستند. اما تا زمانی که مقامات ارشد نظام در ایران پشت این مذاکرات هستند، اینها مستقیما نمی‌توانند بر مذاکرات تاثیر بگذارند. اما اگر مذاکره کلا به هیچ نتیجه‌ای نرسد آن‌وقت باید تاثیرگذاری گروه «نئوکان»ها را جدی گرفت. من از چنین تاثیرگذاری ای فعلا اثری نمی‌بینیم. اما این مذاکرات آنقدر حساس است و می‌تواند شکننده باشد که دو طرف باید حواسشان را کاملا جمع کنند. این حساسیت فقط برای طرف ایرانی نیست، برای طرف آمریکایی هم موقعیت حساسی است.

> **فعلا روحانی به‌دنبال آرایش ترتیبات مجلس برای تثبیت موقعیت خودش نیست بلکه بیشتر ترجیح می‌دهد که همکاری‌ها را موردی جلو ببرد. دید واقع‌بینانه دولت کنونی دریافت حساب‌شده‌ای هم از داخل و هم از شرایط بین‌المللی دارد. بسیار گام‌به‌گام مرحله‌ای عمل می‌کند و همین راز موفقیت این دولت خواهد بود**

در مورد مناقشه سوریه و موضع ایران و ادامه حمایت از اسد و برگزاری ژنو۲ چه نظری دارید؟

ایران باید به تدریج ابتکار منطقه‌ای را در خلیج‌فارس و در همکاری با عربستان شروع کند. ما قرار نیست دوست صمیمی برای هم باشیم اما باید تهران در مورد سوریه با ریاض همکاری‌هایی را شروع کند. دولت سوریه دیگر قدرت سابق را ندارد و تضعیف شده است و در درازمدت نمی‌تواند مهر خود را بر جامعه سوریه بکوبد. سوریه وضعیت غیرقابل کنترل و خطرناکی پیدا کرده است. اما ما نمی‌توانیم سوریه را رها کنیم. سوریه شاید برای روسیه بازیگر تاثیرگذاری در کل ترتیبات ژئوپلیتیکی منطقه نباشد اما برای ما هست. در نتیجه باید ابتکار را به دست گرفت و برای تاثیرگذاری در زمینه‌های تغییر شرایط فعلی، با حضور عینی یا سمبلیک اسد، باید به هر شکلی تلاش کرد. ایران نزدیک‌ترین متحد سوریه است. این اتحاد متقابل، ژئوپلیتیکی و سیاسی است. اکثر کشورهای منطقه پشت‌سر مخالفان اسد بسیج شدند و این ظاهرا نشان می‌دهد که ایران در انزوا قرار گرفته است. چنین وضعیتی مطلوب ایران نیست. ایران باید با همه کشورهای منطقه از عربستان تا یمن گفت‌وگوهای سازنده را جلو ببرد در طول شش یا ۱۲ماه آتی به راه جدیدی برسد که نفوذ خود را حفظ کند.

نزدیکی و بهبود رابطه با آمریکا ترتیبات کلی خاورمیانه را به چه سمتی پیش خواهد برد؟ چه محورهایی شکل می‌گیرد؟ رقابت‌ها در کجاها و بین چه کسانی بیشتر می‌شود؟ آیا با توجه به اینکه تا پایان سال‌جاری آمریکا هم از افغانستان خارج می‌شود، این کشور ترجیح نمی‌دهد که امنیت را توسط کشورهای منطقه تضمین کند. آمریکا مجبور نمی‌شود که برای اتخاذ استراتژی مانند استراتژی «دو ستونه» دوران نیکسون، به ایران دوست و عربستان متحد اتکا کند؟

من معتقدم آمریکا حقیقتا خودش نمی‌داند چه‌کار می‌خواهد کند. نه در مورد خاورمیانه استراتژی مشخصی دارد و نه در بقیه مناطق. این ابهام تحت‌تاثیر چند عامل است: آمریکا دیگر بنیه برخورد و مناقشه ندارد، دوم اینکه، آمریکا توان روانی ادامه جنگیدن ندارد و این بر روانشناسی دولتمردان آمریکا تاثیر گذاشته است. آمریکا دیگر نمی‌تواند نقش آتش‌فشان را برای مناقشات و خاموش‌کردن آن بازی کند. آنها از جنگ، گریزان هستند. البته خاورمیانه هم دیگر مثل قبل برای‌شان اولویت نیست حداقل در پنج تا ۱۰سال آتی اینطور است. امنیت شیخ‌نشین‌ها و اسراییل مهم است اما هزینه مادی و انسانی برای آن نخواهد داد. همان‌طور که گفتید دنبال راه چاره دیگری است. اما هم رابطه آمریکا با ایران مساله‌دار است و هم با عربستان. آمریکا میانجیگیری هم نمی‌تواند کند. پر واضح است که موضوع را فقط ایران و عربستان می‌توانند حل کنند اما آمریکا با هر دو، زاویه‌های جدی دارد. بی‌اعتنایی ایران به عربستان هم سرایت کرده است. عربستان بر سر سوریه، عراق، لیبی و مصر با آمریکا مشکلات جدی دارد. ازاین‌رو آمریکا در شرایط فعلی می‌تواند روی کمک ایران حساب کند. ایران باید بتواند در سوریه، بحرین و حتی یمن به همکاری‌های مشترک با عربستان بپردازد.

می‌دانم که شما هر دو طیف محافظه‌کار و اصلاح‌طلب را در حوزه سیاست خارجی واقع‌گرا می‌دانید. «حسن روحانی» ادامه رئالیسمی است که بعد از جنگ در سیاست خارجی ما ظهور کرد. سال‌های سازندگی در دولت هاشمی و گفت‌وگوی تمدن‌های خاتمی بروز متفاوتی از رئالیسم در سیاست خارجی بود. به نظر شما نسبت «حسن روحانی» با این رئالیسم چیست؟

من معتقدم که دولت روحانی خیلی بیشتر از خاتمی واقع‌گراست و تفاوت اساسی با احمدی‌نژاد دارد. کاری که روحانی می‌کند این است که منافع ملی ایران را با شیوه دولت خودش جلو می‌برد و به‌دنبال تحقق آن است. خیلی واقع‌بینانه گام برمی‌دارد و با اقدامات سنجیده حرکت می‌کند ازاین‌رو بیشتر شبیه دولت رفسنجانی است. ولی فرق عمده‌اش با دولت سازندگی این است که دنبال تغییر شرایط داخلی به نفع خودش نیست. هاشمی در دوره اول مثلا خیلی با مجلس برای تثبیت دولتش همکاری داشت. روحانی در چنین مسیری نیست. فعلا روحانی به‌دنبال آرایش ترتیبات مجلس برای تثبیت موقعیت خودش نیست بلکه بیشتر ترجیح می‌دهد که همکاری‌ها را موردی جلو ببرد. دید واقع‌بینانه دولت کنونی دریافت حساب‌شده‌ای هم از داخل و هم از شرایط بین‌المللی دارد. بسیار گام‌به‌گام مرحله‌ای عمل می‌کند و همین راز موفقیت این دولت خواهد بود.

جوابیه حمید رسایی به گزارش «شرق»

با سلام، (نشریه «شرق» در شماره ۱۹۵۳ شنبه ۲۶بهمن برای بار چندم داستان‌های کودکانه خبرنگاران خود درخصوص گزارش حادثه ۲۲بهمن قم را منتشر کرده است. از جمله بخش‌های کذب و تخیلی این گزارش، قسمتی است که با عنوان «ردپای حمید رسایی در گزارش قم» منتشر شده است. در این بخش روزنامه «شرق» مانند اسلاف غربی‌اش در صنعت روزنامه‌نگاری به دروغ متوسل شده و ادعا کرده که «قرار بود نام حمید رسایی در گزارش مجلس محرمانه باشد و در صحن علنی قرائت شود. ولی وقتی رسایی گزارش محرمانه را در کازیه نمایندگان دید، نگران شد که نامش در صحن علنی قرایت شود. برای همین یک روز پیش از آنکه گزارش در صحن علنی خوانده شود، خودزنی کرد و ضمن انتشار متن کامل چهارصفحه‌ای گزارش، خودش نامش را در هفته‌نامه «۹دی» منتشر کرد ولی بعدا که هیات‌رییسه از خواندن اسامی نمایندگانی که در سازماندهی حمله به سخنرانی علی لاریجانی دست داشتند، سر باز زد، رسایی پشیمان شد که چرا نام خودش را منتشر کرده است»(!) از اینکه شما و نشریه‌تان مجبورید برای تنفس و ادامه حیات رسانه‌ای به دروغ متوسل شوید، متاسفم. ای‌کاش مجبور نبودید برای باقی‌ماندن در اذهان مردم به چنین شیوه‌های نازل رسانه‌ای متوسل شوید برای همین از صمیم قلب امیدواریم هرچه زودتر از این بلیه راحت شوید و این کار فرهنگی را شرافتمندانه ادامه دهید و البته تردید نکنید که با این روش‌ها در اذهان باقی خواهید ماند. مزید اطلاع خوانندگان محترمی که دروغ خنده‌دار شما را خوانده‌اند تاکید می‌شود که هفته‌نامه ۹دی در شماره ۱۰۹ خود متن کامل گزارش مذکور را منتشر نکرده بلکه نقدی بر گزارش تهیه‌شده توسط چند نماینده درباره حادثه ۲۲بهمن قم را منتشر کرده که این متن نقادانه ۹دی نیز به دلیل اتقان و مستندات آن، تاکنون از تهیه‌کنندگان گزارش، مورد نقد یا رد قرار نگرفته است. در متن گزارش محرمانه و علنی تهیه‌شده نیز به‌هیچ‌وجه نامی از نمایندگان مردم تهران یا نماینده دیگری وجود نداشت تا در هفته‌نامه ۹دی آن اسامی ذکر شود و شامل خودزنی گردد یا هیات‌رییسه بعدا تصمیم به حذف آن بگیرد. هفته‌نامه ۹دی نماینده مردم تهران در همان ایام با تقبیح اتفاق رخداده در قم، به تفصیل این حادثه را واکاوی کرده‌اند.)

شرق: جوابیه آقای «حمید رسایی» به گزارش «شرق» با عنوان «بازخوانی نقش حلقه پرتو در حمله به سخنرانی رییس مجلس» به خواست ایشان منتشر می‌شود. تنها ذکر این نکته ضروری است که «منصور حقیقت‌پور»، عضو کمیته حقیقت‌یاب ۲۲ بهمن قم، مرداد سال‌جاری در گفت‌وگو با ایسنا از شکایت «کمیته حوادث ۲۲ بهمن قم» علیه هفته‌نامه ۹دی خبر داده بود. این شکایت به دلیل درج گزارش محرمانه حمله به سخنرانی لاریجانی از نشریه ۹دی صورت گرفته است. گزارش «شرق» نیز با استناد به همین موضوع به تلاش زودهنگام «حمیدرسایی» برای درج غیرقانونی این گزارش در هفته‌نامه متبوعش تدوین شد. چنانچه با وجود درج متن کامل گزارش هفته‌نامه ۹دی، هیات‌رییسه مجلس تصمیم گرفت تا اسامی نمایندگان متهم در پرونده کمیته حقیقت‌یاب قم را در صحن علنی اعلام نکند.

ادامه از صفحه اول

حمایت از رییس‌جمهور «حقوقدان»

برای نخستین بار، وزرای دولت همزمان با مراسم تحلیف در مجلس، به مجلس معرفی شدند و اولین لایحه بودجه سالانه در موعد قانونی تقدیم شد.دولت از این بابت که ۱۵آذر مصادف با تعطیلی جمعه و بالطبع تعطیلی مجلس است الزام خود را در انجام به‌موقع ارسال لایحه بودجه بیان داشت. در عین حال امروز در جامعه مسایل مهمی در جریان است که مردم توقع دارند که رییس دولت و در کل قوه مجریه نگاه قانونمندانه‌ای به قضایا داشته باشند. طبیعی است در دولتی که ریاست آن برعهده یک حقوقدان است مردم توقع ندارند با موضوعاتی از قبیل فروش نفت به‌وسیله نیروی انتظامی روبه‌رو شوند. هرچند اصل موضوع ورود نیروی انتظامی به فروش نفت آنقدر دور از ذهن است و از صلاحیت و تخصص این نیرو بیرون است که عدم واریز وجوه آن به خزانه‌داری کل را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. موضوع بابک زنجانی یا دیگر مفاسدی که در سال‌های گذشته و در پناه حمایت‌های دولتی بروز و ظهور پیدا کردند همگی بستگی به نگاه غیرحقوقی دستگاه اجرا به‌نحوه اداره کشور داشت. توقع این است که نحوه اداره کشور در دولت‌های نهم و دهم زیر ذره‌بین قرار گرفته و مواردی که باعث تضییع حقوق عمومی به وسیله افرادی که تحت حمایت دولت به ویژه‌خواری مشغول بودند از نگاه کارشناسی بررسی شود. وقتی در دولت نهم و دهم مناقصه و مزایده دولتی به‌نفع عده‌ای خاص، ترک می‌شد یا واگذاری‌هایی برخلاف قواعد و مقررات عمومی به دیگران انجام می‌شد آیا دولت قانونمند یازدهم نباید به شیوه واگذاری‌ها، اعطای وام و خصوصی‌سازی‌ها نگاهی تازه داشته باشد؟ واگذاری اراضی فراوانی در اطراف و اکناف کشور تحت عناوین شهرک‌های صنعتی، مناطق آزاد تجاری، تعاونی‌های ریز و درشت ساخت‌وساز مسکن، واگذاری زمین به مسکن مهر و غیره و غیره صورت گرفت که همگی ناشی از عدم پایبندی به قانون در دولت سابق بود. دولت باید با کمک مجلس طرح تحقیق‌وتفحص را در سازمان خصوصی‌سازی عملیاتی کند. واگذاری‌های دولت نهم و دهم بخش خاکستری فعالیت‌های اقتصادی آن زمان است. مجلس به یاد داشته باشد دولت قبلی نه‌تنها تعهدی به لایحه بودجه نداشت بلکه در آن دوره، ده‌ها شرکت مادر در بخش نفت، پتروشیمی، آهن و فولاد و دیگر صنایع به افراد خاص واگذارشده است. حقوقدان‌بودن دولت یازدهم را در به موقع ارایه‌کردن لایحه بودجه به مجلس دیدیم. این دولت نباید با بهانه‌گیری‌های لجوجانه رقبای سیاسی مواجه شود بلکه باید تقویت شود تا به‌صورت انقلابی همه پرونده‌های واگذاری را به تیمی حقوقی و متخصص و کارشناس ارجاع دهد. جریان حاکمی که به خود اجازه می‌داد ۸۴ روز تاخیر در ارسال لایحه بودجه داشته باشد یا مجوز فروش نفت را به سازمانی که تخصصی در خرید و فروش نفت ندارد صادر کند، به یقین در واگذاری خصوصا در مناطق آزاد تجاری، شهرک‌های صنعتی و کارخانجات دولتی به ضرر مردم، دست و دل‌بازی‌هایی داشته که باعث شکاف عمیق طبقات اجتماعی شده‌است.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی ۹۲/۱۸۴
((دو مرحله ای - نوبت دوم)) نوبت اول

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان خوزستان

شرکت گاز استان خوزستان واقع در اهواز - میدان شهید بندر ابتدای بزرگراه اهواز سربندر در نظر دارد براساس قانون برگزاری مناقصات نسبت به برگزاری مناقصه عمومی به شرح زیر اقدام نماید.

موضوع: خرید ، ساخت ،نصب و راه اندازی کنتور های توربینی و آلتراسونیک جهت ایستگاه های مشترکین صنعتی پر مصرف

تاریخ و مهلت تحویل استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران : حداکثر ۱۴ روز بعد از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم

نام و نشانی مدیر طرح: اهواز - مدیر مهندسی - ساختمان مهندسی

نحوه دریافت اسناد مناقصه: حضوری و هزینه خرید آن ۱۵۰۰۰۰ ریال می باشد.

محل توزیع اسناد: اهواز - میدان شهید بندر - شرکت گاز استان خوزستان - امور قراردادها-اتاق ۱۱۳

تاریخ توزیع اسناد: ۵ روز کاری پس از اتمام مهلت اعلام آمادگی

ضمنا آگهی های این شرکت در شبکه اطلاع رسانی شرکت گاز استان خوزستان WWW.NIGC.KHGC.IR و همچنین پایگاه ملی مناقصات درج شده است.

تحویل اسناد مناقصه به مناقصه گران منوط به تکمیل پرونده ارزیابی می باشد و داشتن گواهی تعیین صلاحیت مربوطه و نامه آخرین تغییرات آن شرکت بهمراه اعلام آمادگی و ذکر شناسه ملی حقوقی و ارائه کد پستی و تلفن تماس الزامی است.

تذکر مهم: تا قبل از گشایش پاکات پشنهادات، ارزیابی مناقصه گران انجام خواهد شد.و فقط پاکات پیشنهاد مناقصه گرانی که در ارزیابی مناقصه مربوطه تایید شوند گشوده خواهد شد و پاکات سایر مناقصه گران عینا مسترد می گردد.

TUV NORD OHSAS 18001

۳۵۴۹/م الف

روابط عمومی شرکت گاز استان خوزستان